



جزوه درس الكترونيك كاربردي

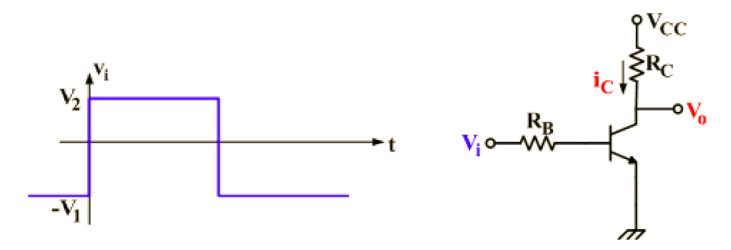
جلسه هشتم





زمان قطع و وصل ترانزیستور

فرض کنید که در مدار شکل مقابل، سطح ولتاژ V_2 و V_1 به ترتیب برای به اشباع رسیدن و قطع ترانزیستور کافی است.

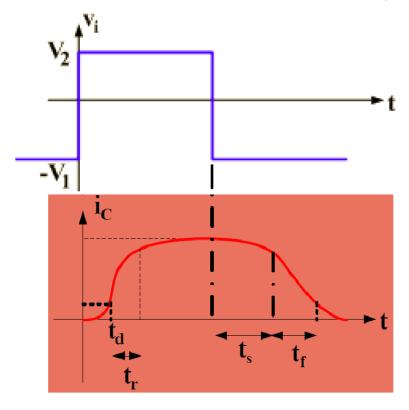


ولی هنگامیکه ورودی تغییر حالت میدهد، تأخیرهایی در زمان قطع و وصل پدید میآید.

. تأخير اوليه است تا ولتاژ ديود بيس اميتر به آستانه هدايت برسد t_d

راست. در بیس است. ناقلهای اقلیت اضافی (ناشی از وضعیت اشباع) در بیس است. $t_{
m s}$

. תוני ווינישייפן ול כולי פולי וויכי דעוינישייפן ול כולי וויכי דעוינישייפן ול כולי דעויכי דעויכי וויכי וויכי דעויכי וויכי דער וויכי וויכי וויכי דער וויכי וויכי



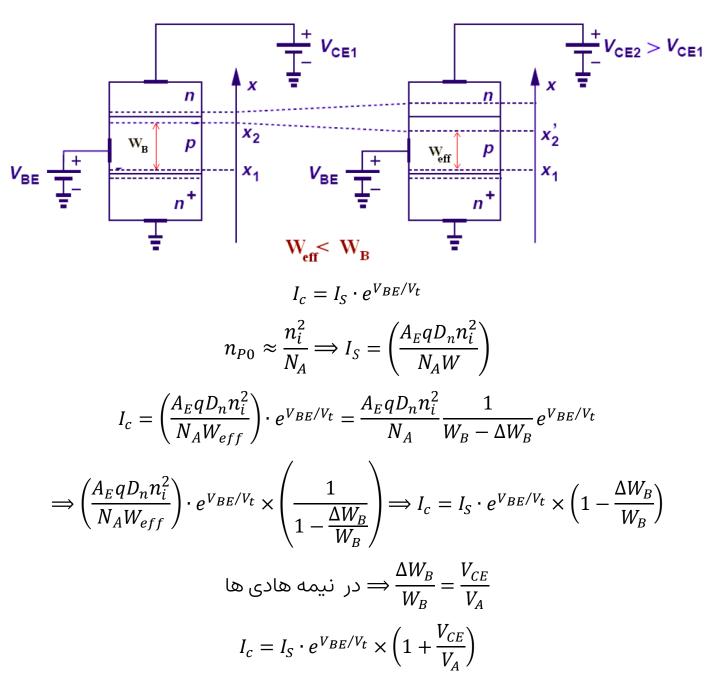
$$\begin{cases} t_{on} = t_d + t_r \\ t_{off} = t_s + t_f \end{cases}$$

است. ns است زمانها در رنج چند



اثر ارلی (Early Effect)

در عمل این ادعا که جریان کلکتور مستقل از V_{CE} است، چندان دقیق نیست. هرگاه V_{CE} افزایش بیابد در آن صورت عرض ناحیه تخلیه پیوند بیس-کلکتور زیاد میشود. لذا عرض موثر بیس کاهش مییابد و به همین دلیل جریان کلکتور افزایش مییابد.

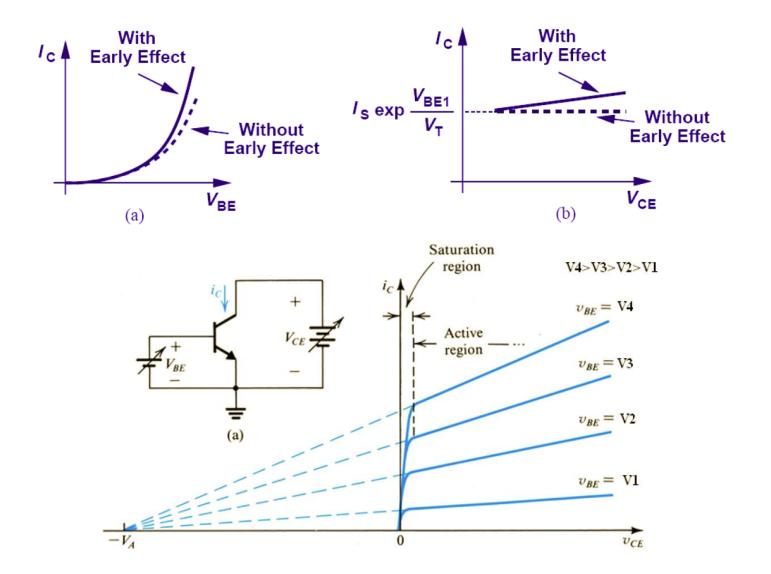


ولتاژ ارلی میباشد. V_A

اثر ارلی سبب می شود جریان کلکتور به صورت جزئی تابعی از ولتاژ V_{CE} شود.

اثر ارلی سبب می شود جریان کلکتور در مقایسه با جریان کلکتور یک ترانزیستور ایدهآل افزایش یابد. ولتاژ ارلی معمولا بین 15v تا 150v است.





مدارهای بایاس

منظور از مدار بایاس، مداری میباشد که در آن دیود BE در حالت اتصال مستقیم و دیود BC در حالت اتصال کوتاه قرار گیرد که از ترانزیستور به عنوان تقویت کننده استفاده شود. (ناحیه فعال) به طور کلی سه نوع بایاس یا تغذیه برای بردن ترانزیستور به ناحیه فعال داریم.

۱) بایاس ثابت (مستقیم)، (که به دو صورت با مقاومت امیتر و بدون مقاومت امیتر تقسیم میشود.)

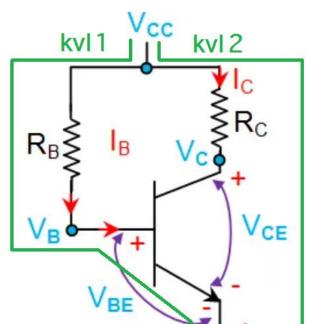
۲) بایاس اتوماتیک (خودکار)

۳) بایاس سرخود (مستقل از بتا)



برای حل این مدارات $I_B \Longrightarrow I_E \Longrightarrow I_C \Longrightarrow V_{CE}$ عمل می شود

ساده ترین مدار **بایاس ثابت** است که به صورت زیر میباشد.



برای محاسبه $oldsymbol{I_B}$ باید kvl در ورودی زد *

$$kvl1: -V_{CC} + R_B(I_B) + V_{BE} = 0$$

$$\Longrightarrow I_B = \frac{V_{CC} - V_{BE}}{R_B}$$

$$\Rightarrow I_E = (1 + \beta)I_B$$
 , $I_C = (\beta)I_B$

برای محاسبه $oldsymbol{V_{CE}}$ باید $oldsymbol{kvl2}$ در خروجی زد *

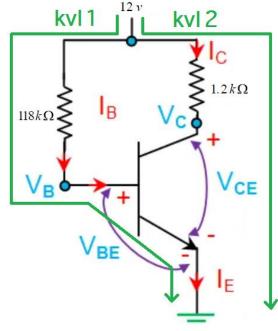
$$kvl2: -V_{CC} + R_C(I_C) + V_{CE} = 0$$

$$V_{CE} = V_{CC} - R_C(I_C)$$

$$V_E = 0$$
 , $V_B = V_{BE}$, $V_C = V_{CE}$

در این مدار جریان I_c وابسته به eta بوده و با تغییرات دما $I_{CBo} = I_B + I_{CBo}$ متغیر است. لذا I_C تغییر $I_{CBo} = I_{CBo} = I_{CBo}$ میکند و مدار پایداری حرارتی خوبی ندارد.

مثال: در مدار تغذیه ثابت در شرایط $\beta=50$ و $\beta=50$ و نقطه کار و ولتاژ پایههای ترانزیستور را بدست آورید.



$$kvl1: -12 + 118k(I_B) + 0.2 = 0$$

$$\Rightarrow I_B = \frac{12 - 0.2}{118k} = 100\mu A$$

$$\Rightarrow I_E = (1+50)100\mu A = 5.1mA$$

$$\Rightarrow I_C = (\beta) I_B = 50 \times 100 \mu A = 5 mA$$

$$\implies I_E \approx I_C$$

$$kvl2: -12 + 1.2k(5mA) + V_{CE} = 0$$

$$V_{CE} = 12v - 6v = 6v$$

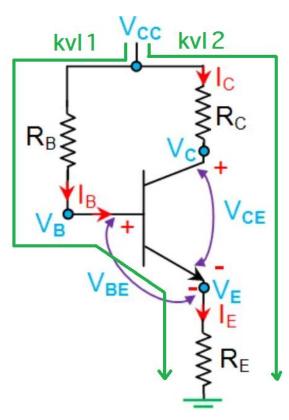
$$V_E = 0$$
 , $V_B = 0.2v$, $V_C = 6v$



بررسی یایداری

با افزایش حرارت جریان نشتی کلکتور زیاد شده و باعث افزایش جریان کلکتور میشود و افزایش جریان کلکتور میشود و افزایش جریان کلکتور افزایش مجدد حرارت را در پی خواهد داشت، که باعث ناپایداری حرارتی میگردد. I_{CBo} \pitchfork I_{CBo} دما

بایاس ثابت با مقاومت امیتر



$$kvl1: -V_{CC} + R_B(I_B) + V_{BE} + R_E(I_E) = 0$$

$$\Rightarrow -V_{CC} + R_B(I_B) + V_{BE} + R_E(1 + \beta)(I_B) = 0$$

$$\Rightarrow I_B = \frac{V_{CC} - V_{BE}}{R_B + (1 + \beta)R_E}$$

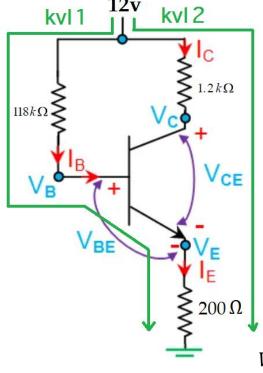
$$\Rightarrow I_E = (1 + \beta)I_B , I_C = (\beta)I_B$$

$$kvl2: -V_{CC} + R_C(I_C) + V_{CE} + R_E(I_E) = 0$$

$$V_{CE} = V_{CC} - R_C(I_C) - R_E(I_E)$$

$$V_E = R_E(I_E) , V_B = V_{BE} + V_E , V_C = V_E + V_{CE}$$

مثال: در مدار تغذیه ثابت در شرایط $\beta=50$ و $V_{BE}=0.7v$ نقطه کار و ولتاژ پایههای ترانزیستور را بدست $\mathbf{12v}$ اورید

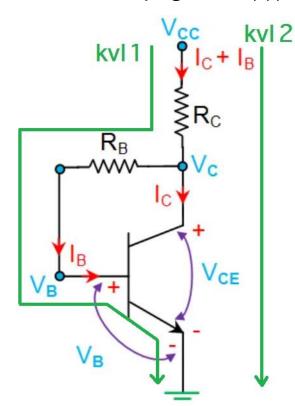


$$kvl1: -12 + 118k(I_B) + 0.7 + 200(I_E) = 0$$

 $\Rightarrow -12 + 118k(I_B) + 0.7 + 200(1 + 50)(I_B) = 0$
 $\Rightarrow I_B = \frac{12 - 0.7}{118k + (1 + 50)0.2k} = 88.1\mu A$
 $I_E = (1 + \beta)I_B = (1 + 50) \times 88.1\mu A = 4.493mA$
 $\Rightarrow I_C = (\beta)I_B = 50 \times 88.1\mu A = 4.41mA$
 $kvl2: -12 + 1.2k(4.41mA) + V_{CE} + 0.2k(4.493mA) = 0$
 $V_{CE} = 12 - 1.2k(4.41mA) - 0.2k(4.493mA) = 5.81v$
 $V_E = 0.2k(4.493mA) = 0.8986v$
 $V_B = 0.7 + 0.89 = 1.598v$, $V_C = 0.89 + 5.81 = 6.7v$

بایاس خودکار یا اتوماتیک: جهت بهبود پایداری حرارتی از مدار زیر استفاده می شود.

برای محاسبه I_B باید kvl1 در ورودی زد



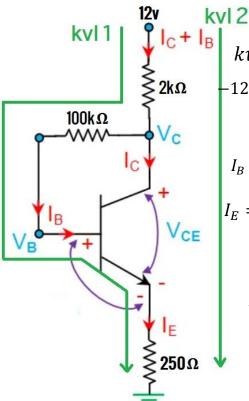
$$kvl1: -V_{CC} + R_C(I_C + I_B) + R_B(I_B) + V_{BE} = 0$$
 $\Rightarrow I_E = I_C + I_B = (1 + \beta)I_B , I_C = (\beta)I_B$
 $\Rightarrow I_B = \frac{V_{CC} - V_{BE}}{R_B + (1 + \beta)R_C}$
 $\Rightarrow I_E = (1 + \beta)I_B , I_C = (\beta)I_B$
 $\Rightarrow I_E = (1 + \beta)I_B , I_C = (\beta)I_B$
 $\Rightarrow V_{CE}$ برای محاسبه V_{CE} باید $V_{CE} = 0$

$$V_{CF} = V_{CC} - R_C(I_C + I_B) + V_{CE} - Q_C$$

$$V_E=0$$
 , $V_B=V_{BE}$, $V_C=V_{CE}$

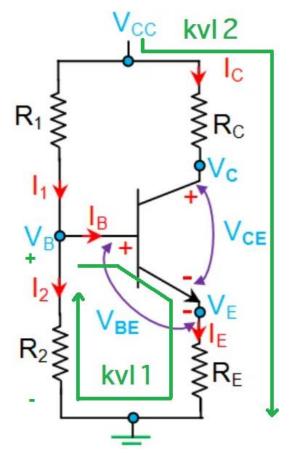
در این مدار $I_{C}=(eta)$ $I_{B}+I_{C}=I_{C}$ با افزایش دما، $I_{C}=I_{C}$ افزایش یافته و I_{C} زیاد میگردد. این امر باعث کاهش V_{C} شده و به دنبال آن کاهش I_{B} را خواهیم داشت که خود نیز باعث کاهش I_{C} میگردد. پس نوعی تثبیت I_{C} در برابر تغییر دما بوجود میآید. ولی مسئله تغییر I_{C} به خاطر تغییرات I_{C} همچنان وجود دارد.

مثال: در مدار تغذیه اتوماتیک در شرایط eta=100 و eta=0.6~v نقطه کار و ولتاژ پایههای ترانزیستور را بدست آورید.



 $kvl1: -V_{CC} + R_C(I_C + I_B) + R_B(I_B) + V_{BE} + R_E(I_E) = 0$ $-12 + 2k(1 + 100)I_B + 100k(I_B) + V_{BE} + 0.25k(1 + 100)I_B = 0$ $\Rightarrow I_E = I_C + I_B = (1 + \beta)I_B , I_C = (\beta)I_B$ $I_B = \frac{V_{CC} - V_{BE}}{R_B + (1 + \beta)(R_C + R_E)} = \frac{12 - 0.6}{100k + (101)(2.25k)} = 34.8\mu A$ $I_E = (101)34.8\mu A = 3.51mA, I_C = (100) 34.8\mu A = 3.45mA$ $kvl2: -V_{CC} + R_C(I_C + I_B) + V_{CE} + R_E(I_E) = 0$ $-12 + 2k(3.51mA) + V_{CE} + 0.25k(3.51mA) = 0$ $V_{CE} = 12 - 7.02 - 0.8775 = 4.1v$ $V_E = 0.877v , V_B = 0.6 + 0.87 = 1.47v$ $V_C = 4.1 + 0.87 = 4.97$

بایاس سرخود (مستقل از بتا): به دو روش تقریبی و دقیق محاسبه میشود



$$I_B=0$$
 .الف) تقریبی : اول از جریان بیس صرف نظر میکنیم

$$I_1 \,=\, I_2$$
 يعنى R_1 سرى باشند. R_2 يعنى R_3 سرى باشند. $V_B = rac{V_{CC} imes R_2}{R_1 + R_2}$

سپس V_B محاسبه کرده و از آن I_E را بدست میآوریم

$$kvl1: -V_B + V_{BE} + R_E(I_E) = 0$$

از I_E جریان بیس را محاسبه میکنیم

$$I_{E} = \frac{V_{B} - V_{BE}}{R_{E}} \Rightarrow I_{B} = \frac{I_{E}}{(1 + \beta)}$$
 $I_{C} = (\beta) I_{B}$
 $\text{kvl2:} -V_{CC} + R_{C}(I_{C}) + V_{CE} + R_{E}(I_{E}) = 0$
 $V_{CE} = V_{CC} - R_{C}(I_{C}) - R_{E}(I_{E})$
 $V_{F} = R_{F}(I_{F})$, $V_{B} = V_{BF} + V_{F}$, $V_{C} = V_{F} + V_{CF}$

بایاس سرخود بیشتر از موارد دیگر به کار میرود، زیرا در آن هم پایداری حرارتی و هم پایداری $oldsymbol{eta}$ در نظر گرفته میشود. در زیر روند پایداری حرارتی را ملاحظه میکنید.

$$T \nearrow I_{CEo} \nearrow I_C \nearrow V_E \nearrow V_{BE} \searrow I_B \searrow I_C \searrow$$

که در بالا نیز گفتیم:

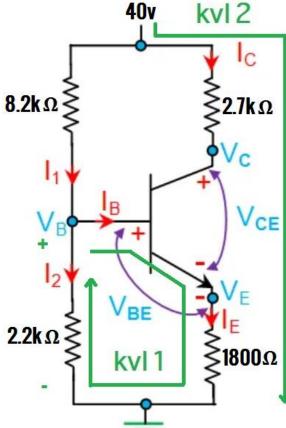
$$V_B = \frac{V_{CC} \times R_2}{R_1 + R_2} \Rightarrow I_C \approx I_E = \frac{V_B - V_{BE}}{R_E}$$

همانطور که ملاحظه میشود، این جریان مستقل از $oldsymbol{eta}$ است. در عمل برای برقراری شرایط فوق کافی است، جریان مقاومتهای بایاس بیش از ۱۰ برابر جریان بیس باشد.

$$I_{R_{1,2}} = \frac{V_{CC}}{R_1 + R_2} \ge 10I_B$$



مثال: در مدار تغذیه سرخود در شرایط 120 eta=0.7 و $V_{BE}=0.7$ نقطه کار و ولتاژ پایههای ترانزیستور را بدست آورید.



$$V_B = \frac{40 \times 2.2k}{8.2k + 2.2k} = 8.46v$$

سپس V_B محاسبه کرده و از آن I_E را بدست می I_B

$$kvl1: -8.46 + 0.7 + 1.8k(I_E) = 0$$

از I_E جریان بیس را محاسبه میکنیم

$$I_E = \frac{8.46 - 0.7}{1.8k} = 4.31 \text{mA}, I_B = \frac{4.31 mA}{(1 + 120)} = 35.6 \mu A$$

$$I_C = (\beta) I_B = 120 \times 35.6 \mu A = 2.27 mA$$

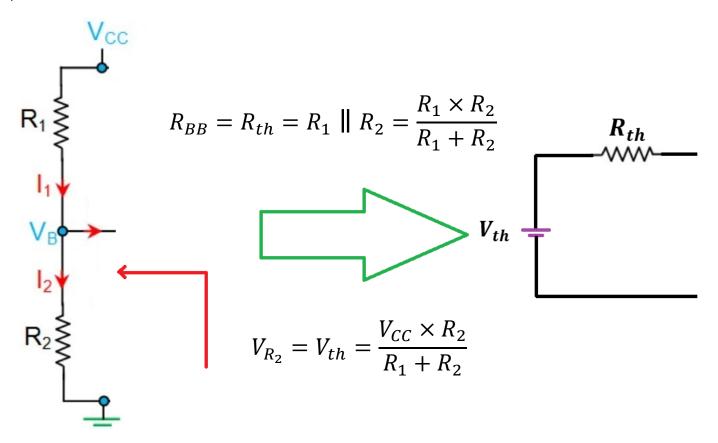
$$\text{kvl2:} -40 + 2.7k(2.27 mA) + V_{CE} + 1.8k(4.31 \text{mA}) = 0$$

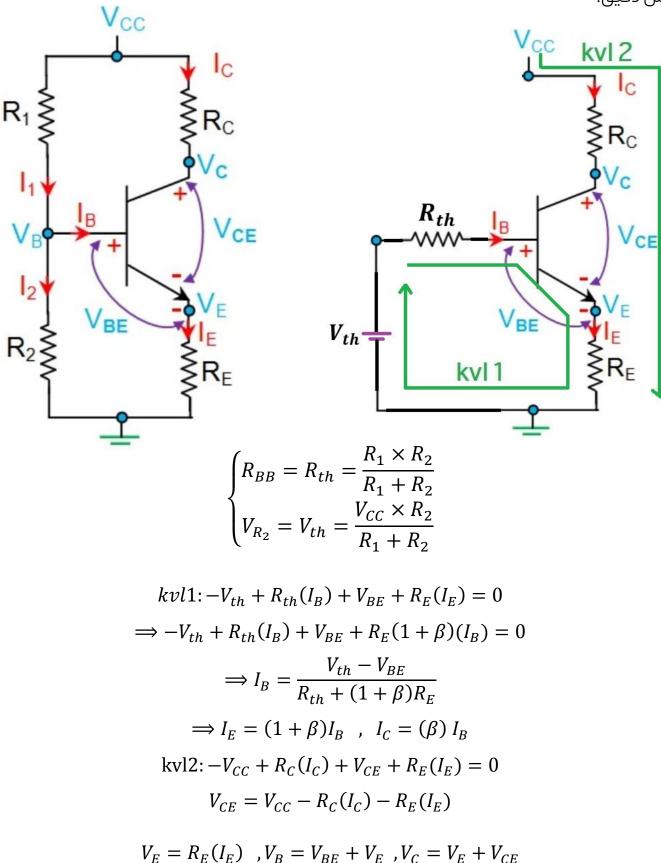
$$V_{CE} = 40 - 6.129 - 7.75 = 26.12v$$

$$V_E = 7.75v , V_B = 0.7 + 7.75 = 8.45v$$

$$V_C = 7.75 + 26.12 = 33.87$$

روش دقیق: برای محاسبات دقیقتر و یا برقراری شرط فوق بگونهای دیگر از مدار معادل تونن استفاده میکنیم

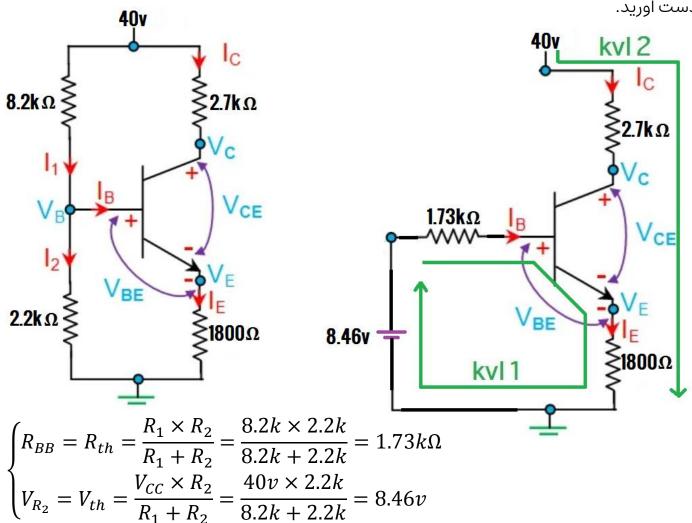






مثال: در مدار تغذیه سرخود در شرایط $\beta=120$ و $\gamma=0.7$ نقطه کار و ولتاژ پایههای ترانزیستور را

بدست آورید.



$$kvl1: -8.46 + 1.73k(I_B) + 0.7 + 1.8k(I_E) = 0$$

$$-8.46 + 1.73k(I_B) + 0.7 + 1.8k(1 + 120)(I_B) = 0$$

$$I_B = \frac{8.46 - 0.7}{1.73k + (1 + 120)1.8k} = 35.34\mu A$$

$$I_E = (121)35.34\mu A = 4.28mA \qquad , \qquad I_C = (120)\ 35.34\mu A = 4.24mA$$

$$\text{kvl2:} -40 + 2.7k(4.24mA) + V_{CE} + 1.8k(4.28mA) = 0$$

$$V_{CE} = 40 - 11.448 - 7.70 = 20.85$$

$$V_E = 7.70$$
 , $V_B = 0.7 + 7.70 = 8.4v$, $V_C = 7.70 + 20.85 = 28.55$

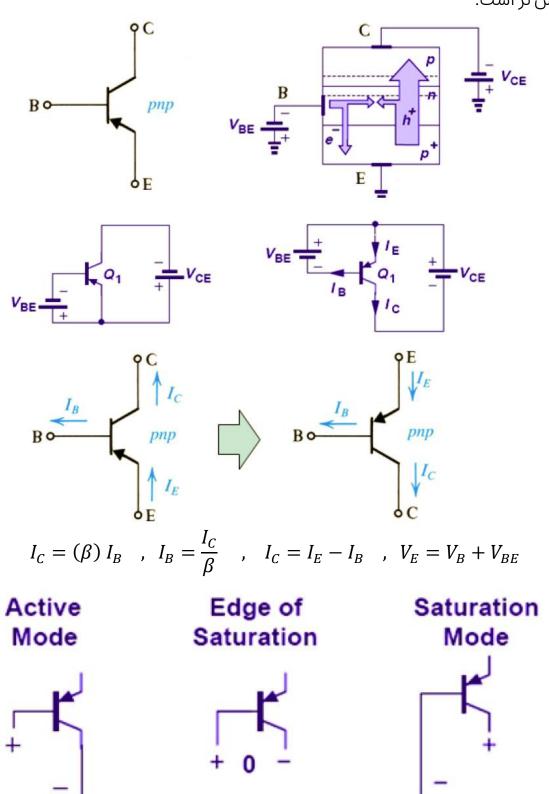
برای اینکه جریان امیتر به $oldsymbol{eta}$ بستگی نداشته باشد، باید داشته باشیم:

$$R_E \gg \frac{R_{th}}{1+\beta} \Rightarrow R_E \ge 10 \frac{R_{th}}{1+\beta} \Rightarrow R_{th} \le \frac{\beta_{min} R_E}{10}$$



ترانزیستور PNP

PNP کافی است که نوع نیمه هادی نواحی امیتر، کلکتور و بیس را برعکس کنیم. با این کار ترانزیستور ایجاد می شود. تمام مفاهیمی که در مورد ترانزیستور NPN گفته شد به سادگی می توان به ترانزیستور PNP تعمیم داد با این استثناء که پتانسیل امیتر از پتانسیل بیس بیشتر و پتانسیل بیس نیز از پتانسیل کلکتور بیش تر است.





پایان جلسه هشتم روزگار خوشی را برای شما آرزومندم.